اعتماد
احزاب
siasat@etemadnewspaper.ir

جدال بی‌پایان مصباح با هاشمی

آیت‌الله مصباح یزدی: هاشمی رفسنجانی به من افترا می‌زند

نظر خودتان را در مورد این مطلب برایمان پیامک کنید
۳۰۰۰۴۷۵۳

عکس: محمد کاظم‌پور

ادامه از صفحه اول

(ر.ک: کارنامه و خاطرات، دوران مبارزه، صص ۱۹۶-۱۹۵) هاشمی رفسنجانی نشریه سیاسی و مصباح‌یزدی نشریه اعتقادی منتشر می‌کردند. این شاید کلید ورود به اختلاف این دو آیت‌الله است. هاشمی سیاستمدار و مصباح ایدئولوگ در ظاهر نباید با یکدیگر تقابلی داشته باشند اما تقابل از جایی شروع می‌شود که آیت‌الله مصباح علاوه بر تئوری‌پردازی وارد فعالیت سیاسی علنی می‌شود. اینجاست که هاشمی تخالف نظریات او با سیاست‌ورزی انقلابی را گوشزد کرده و در مواقعی با آن به مقابله برمی‌خیزد تا یکی از اختلافات دیرینه در انقلاب اسلامی مربوط به آیات هاشمی رفسنجانی و مصباح‌یزدی باشد. این دو دهه‌هاست که با یکدیگر نه تنها در شیوه سیاست‌ورزی که در مبانی نظری نیز اختلاف دارند. اگر در میانه دهه چهل هاشمی موافق حمایت از تمام مبارزین علیه شاه بود اما مصباح برخلاف هاشمی روی حجت شرعی تاکید می‌کرد و می‌گفت تا حمایت از یک گروه برایش حجت شرعی نداشته باشد آن را انجام نخواهد داد. البته آیت‌الله مصباح امروز نیز با همان حجت شرعی سیاست‌ورزی می‌کند. نمونه‌اش در انتخابات ریاست‌جمهوری گذشته بود که به گفته آیت‌الله یزدی کار جامعه مدرسین را تا مرز انشعاب پیش برد. آیت‌الله مصباح این‌بار در گفت‌وگو با نشریه عصر اندیشه حملات جدیدی به هاشمی کرده که دور از ذهن نیست با پاسخ تند هاشمی مواجه شود. روز گذشته در خبری که خبرگزاری تسنیم مخابره کرد بخش‌هایی از گفت‌وگوی آیت‌الله مصباح با پیام فضلی‌نژاد از اعضای ارشد سابق روزنامه کیهان و سردبیر عصر اندیشه منتشر شد. آیت‌الله مصباح‌یزدی در پاسخ به مطلبی مبنی بر اینکه «اخیرا آقای هاشمی رفسنجانی گفت: تمدنی که امام می‌خواست این انقلاب ایجاد کند، دچار انحراف شده است و حتی از شما به عنوان یکی از تحریف‌گران امام نام می‌برند»، اظهار داشت: کسانی که ما را متهم به تحریف می‌کنند [آقای هاشمی رفسنجانی]، در واقع افترا می‌زنند و افترا از قدیمی‌ترین شگردهای شیطانی است. یکی از نعمت‌های الهی که خدا در این قرن به ما داد، وجود امام بود. اگر امام را تحریف کنند، یعنی دارو را تبدیل به سم کرده‌اند. نتیجه این است که به‌جای بهبود، مرگ خواهد بود.

کفران نعمت نتیجه‌ای جز این ندارد و این یک قاعده قطعی و استثناناپذیر الهی است. برای همین، همان‌طور که رهبری فرمودند اگر راه امام گم شود، ملت ایران سیلی می‌خورد. جامعه ما در حال رشد است و هر قدر جامعه رشد می‌کند، امتحان‌ها و فتنه‌های آن پیچیده‌تر و سنگین‌تر می‌شود. عضو مجلس خبرگان رهبری با اشاره به «رفوزه شدن برخی بستگان امام» گفت: در سال‌های ابتدای بعثت، از جمله ماجرای وفات رسول خدا، بسیاری از بستگان و اصحاب پیامبر رفوزه شدند. آن امتحان برای ۱۴۰۰ سال پیش بود و از آن زمان جامعه رشد بیشتری کرده است. آن زمان برخی بستگان پیامبر عامل انحراف بودند و رفوزه شدند و اکنون برخی بستگان امام خمینی(ره) برخی حق را می‌شناسند، اما مانند ابوجهل تا پای جان آن را انکار می‌کنند. روح برتری‌طلبی، قانع نشدن به حق خود و تسلیم نشدن در برابر حق از عوامل روانی است که برخی آگاهانه و عامدانه حق را انکار می‌کنند، و حتی در مقابل حق سرمایه‌گذاری می‌کنند. ما منطق، ارزش‌ها، سیره پیامبر و اهل بیت را داریم، اما آسیبی که همه اینها را مخدوش می‌کند، تحریف است. آیت‌الله مصباح‌یزدی با بیان «گاهی برای تحریف امام به متشابهات کلام امام استناد و شأن نزول آن را انکار می‌کنند» ابراز کرد: تحریف‌گران با ابزارهای مختلف از جمله جنگ روانی و افترا و تهمت به میدان آمده‌اند و برای آنها هدف وسیله را توجیه می‌کند، اما ما جز حق را نباید ترویج کنیم و جز از وسیله حق نمی‌توانیم استفاده کنیم. دشواری مهم این است که تحریف‌گران از تاکتیک‌های متنوعی استفاده می‌کنند که می‌تواند عموم مردم و خصوصاً جوانان را تحت تاثیر قرار دهد و بفریبد. وی ادامه داد: این معادله نابرابر، می‌تواند اراده طرفداران حق را تضعیف کند و سبب می‌شود کسانی که به حق باور دارند و می‌خواهند خدمت کنند، تصور کنند که نمی‌توان کاری کرد، اما ما یک چیز داریم که اهل باطل ندارند و آن پشتیبانی الهی و از جمله آن امدادهای غیبی است. در میان روحانیون طراز اول سیاست در ایران امروز آیت‌الله مصباح‌یزدی از یک نظر با تمامی آنها تفاوت دارد. او در دوران حیات امام خمینی در هیچ سمتی توسط ایشان منصوب نشد و حتی برخی چهره‌های سیاسی در میان خاطرات خود نقل کرده‌اند که حضرت امام نسبت به انتصاب یکی از نزدیکان وی به سمت حساسی در سپاه پاسداران اعتراض کردند و تلویحا او را مروج برخی افکار ایشان دانستند. این موضوع البته هر بار پس از مطرح شدن با واکنش تند حامیان آیت‌الله مصباح مواجه شد، چه آنکه پس از درج مطلبی با این مضمون در سایت تابناک وابسته به محسن رضایی، حسین شریعتمداری در دفاع آن فرد و آیت‌الله مصباح حمله شدیدی به محسن رضایی کرد. پس از آن نیز در مراسم چهلمین روز درگذشت حجت‌الاسلام توسلی، موسوی لاری بار دیگر این خاطره را نقل کرد و این‌بار با واکنش علی سعیدی، نماینده ولی فقیه در سپاه مواجه شد. هر چه هست در تاریخ نشانی از نزدیکی آیت‌الله مصباح به حضرت امام در یک دهه پیش از انقلاب و یک دهه پس از آن دیده نمی‌شود. او نه در شورای انقلاب عضویت داشت و نه در میان حلقه اول تصمیم‌سازان سال‌های ابتدایی انقلاب بود. رضا صنعتی، نویسنده چهار کتاب است که دو کتاب درباره مصباح و دو کتاب درباره هاشمی نوشته است. او که در ردیف حامیان آیت‌الله مصباح قرار دارد طی مصاحبه‌ای با هفته‌نامه پنجره که سال گذشته انجام شد به خاطره‌ای از دیدارش با هاشمی اشاره می‌کند: «دیداری با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی فراهم آمد. در آنجا از ایشان نیز کیفیت این ماجرا را جویا شدم. حکایت ایشان از این ماجرا گرچه با نقل قول آقای کروبی و نیز آنچه اخیراً منتشر شده است، تفاوت‌هایی در برخی تعابیر داشت، اما وجه مشترک همه آنها عدم همراهی آیت‌الله مصباح با انقلاب بود. من در آن جلسه اشکال کردم که اعلامیه‌های متعددی از سال ۴۲ وجود دارد که حاکی از همراهی آقای مصباح با نهضت است. آقای هاشمی گفتند: بله! من هم در خاطراتم به برخی از فعالیت‌های ایشان اشاره کرده‌ام اما این مربوط به یک مقطع خاص بود و بعد ادامه پیدا نکرد. من باز اشکال کردم که حتی در سال‌های ۵۶ و ۵۷ اعلامیه‌هایی با امضای ایشان موجود است. آقای هاشمی پاسخ دادند: از سال ۴۶ تا ۵۶ چه چیزی هست؟! بعد اضافه کردند که در سال ۵۶ و ۵۷ خیلی‌ها همراه شدند؛ اما از ۴۶ تا ۵۶ ایشان همراهی نمی‌کردند.» اما در خاطرات رهبر معظم انقلاب که در کتاب شرح اسم آمده در مورد تشکیلات مخفی برخی طلاب و فضلای قم و نقش آیت‌الله مصباح آمده است: «آقای مصباح تا آخرش هم الحمدلله گیر نیفتاد، از بس که ایشان آرام و باملاحظه کار می‌کرد.»

جدال خاطراتی بر سر مبارزه با شاه

«آقایی می‌گفت مبارزه با شاه حرام است، می‌خواهم کار علمی کنم. از کم‌فروشی این آقا، کار به جایی رسید که رهبری ۱۰ سال با او قهر بودند.» هاشمی این خاطره را بدون آنکه نامی از «این آقا»ی خاطراتش ببرد، تعریف کرد تا بلافاصله «دفتر آیت‌الله مصباح‌یزدی با انتشار بخش‌هایی از یک گفت‌وگوی منتشر نشده از آیت‌الله مصباح‌یزدی با حبیب‌الله عسگراولادی را روی خروجی خود قرار دهد که به اختلاف او با هاشمی رفسنجانی بر سر «منافقین» مربوط می‌شد. همین اقدام دفتر آیت‌الله مصباح‌یزدی کافی بود تا مشخص شود «این آقا»ی خاطره هاشمی رفسنجانی کسی نیست جز آیت‌الله مصباح‌یزدی. ماجرا از آنجایی شروع شده بود که سایت آیت‌الله هاشمی، حاشیه‌های دیدار رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام و خانواده شهید قدوسی را منتشر کرد؛ دیداری که در آن، هاشمی با نقل خاطره‌ای از سال ۴۸ گفته بود: «دو نفری - به اتفاق آقای خامنه‌ای - صبحانه رفتیم منزل آقای قدوسی. این آقا هم آنجا بود. نشستیم تا ظهر با او بحث کردیم تا قانعش کنیم برای ادامه مبارزه. آخرش هم گفت من مبارزه با شاه را حرام می‌دانم! آقای خامنه‌ای از او پرسیدند: دلیلت چیه؟ آن آقا در جواب گفته بود: مبارزه‌ای که مجاهدین و چپی‌ها در آن باشند، حرام است! آقای خامنه‌ای هم به تلخی به او گفته بود: اگر اهل مبارزه نیستی، خب مبارزه نکن ولی لااقل مبارزه را با این حرف‌ها خراب نکن!... از کم‌فروشی این آقا، کار به جایی رسید که رهبری ۱۰ سال - تا ابتدای انقلاب - با او قهر بودند.» بیان همین خاطره هم با واکنش سایت دفتر آیت‌الله مصباح مواجه شد. این سایت بلافاصله، بخش‌های منتشرنشده‌ای از صحبت‌های آیت‌الله مصباح با مرحوم عسگراولادی را منتشر کرد؛ سخنانی که به نوشته دفتر آیت‌الله مصباح، یازدهم آبان ماه سال ۹۰ و در جریان ملاقات عسگراولادی با او بیان شده و در میان این صحبت‌ها، مصباح با اشاره به مبارزات پیش از انقلاب گفته: «پیش از پیروزی انقلاب، مقام معظم رهبری و آقای هاشمی رفسنجانی توسط آقای قدوسی وقتی تعیین کردند که برای صبحانه به منزل ما تشریف می‌آورند. در آن جلسه صبحانه غیر از این دو بزرگوار، شخص دیگری نبود. آقای هاشمی عنان سخن را به دست گرفتند و از اینجا شروع کردند که ما سال‌ها با هم همکاری‌های فرهنگی و سیاسی داشتیم، اما مدتی است که تو کنار کشیدی و با ما نیستی... مساله شریعتی و شهید جاوید و... را باید کنار گذاشت. حتی ما با مارکسیست‌ها باید اتحاد داشته باشیم! ما باید با تمام گروه‌هایی که ضدامپریالیسم هستند از مارکسیست‌ها، مجاهدین، طرفداران شریعتی تا طرفداران صالحی نجف‌آبادی و دیگران اتحاد داشته باشیم و مخالفت را کنار بگذاریم و فقط با امپریالیسم مبارزه کنیم! گفتم: مطرح کردن صالحی که دیگر معنا ندارد، ولی از من چه می‌خواهید و پیشنهادتان چیست؟ گفتند: بیا و با مجاهدین همکاری کن!... گفتند: نماز شب‌شان ترک نمی‌شود، ماهانه ۱۲ هزار تومان حقوق می‌گیرند و از این مقدار فقط ۵۰۰ تومانش را مصرف و بقیه‌اش را صرف مبارزه می‌کنند، چنینند و چنانند. گفتم: همه اینها را که فرمودید درست است، اما برای شما حجت است و برای من حجت نیست. من تا کسی را نشناسم که برای اسلام کار می‌کند، با او همکاری نمی‌کنم. از اول تا آخر این گفت‌وگو مقام معظم رهبری هم نشسته بودند و هیچ نمی‌گفتند و فقط صحبت‌های آقای هاشمی بود و جواب‌های بنده. پس از این گفت‌وگو آقای هاشمی با ناراحتی منزل ما را ترک کردند و رفتند.» اما در ادامه این روایت از قول مصباح روی مساله کمک هاشمی به سازمانی که در بدو تاسیس و تا قبل از تغییر ایدئولوژی، با عنوان «مجاهدین خلق» شناخته می‌شد تاکید شده و آمده است: «کمک‌های آقای هاشمی به منافقین را نیز نباید فراموش کرد. چه پول‌هایی که به آنها داد. در حال حاضر هم نمی‌گویم که آنها کار بدی کردند. شاید وظیفه‌شان در آن شرایط همان بود، اما من چون حجتی نداشتم، مشارکت نکردم.»

مغایرت‌های دو روایت

جدای از تفاوت‌های روایت مصباح و هاشمی درباره جزییات دیدار، که یکی معتقد به انجام آن در منزل شهید قدوسی و دیگری معتقد به انجام دیدار در بیت آیت‌الله مصباح است و به روایت اول، مقام معظم رهبری بعد از این دیدار، تا ۱۰ سال با مصباح حرف نزده و به روایت دوم، فقط هاشمی با دلخوری منزل او را ترک کرده، تنها نکته مورد تایید هر دو طرف، حمایت هاشمی از مجاهدین اولیه است. حمایتی که البته بسیاری از روحانیون انقلابی پیش از انقلاب، در آن با هاشمی همراه بوده‌اند و حالا دفتر آیت‌الله مصباح‌یزدی از آن با عنوان «حمایت از منافقین» یاد کرده است. اما آنچه بیش از همه محل تامل به نظر می‌رسد، حساسیت سایت آیت‌الله مصباح و چهره‌های نزدیک به این روحانی سرشناس قم است. آنها هر بار که خاطره‌ای از قول هاشمی درباره گذشته‌شان منتشر می‌شود، بلافاصله سعی می‌کنند با انتشار مطلبی که خاطره هاشمی را مورد تشکیک قرار می‌دهد، با او مقابله به مثل کنند. کاری که محمد هاشمی، برادر آیت‌الله هاشمی درباره علتش، گفته بود: «در شرایط فعلی عده‌ای به دنبال میراث‌خواری انقلاب هستند و می‌خواهند از این خوان بهره‌ای به نفع خودشان ببرند. طبعا این افراد کسانی که سابقه‌ای در انقلاب دارند، با امام رابطه نزدیکی داشته‌اند و در جریان ریز مسائل هستند را مانعی برای خود می‌بینند. بنابراین سعی می‌کنند قصاص قبل از جنایت کنند. سعی می‌کنند خاطرات آیت‌الله هاشمی را زیر سوال ببرند که اگر روزی بیان شد، بگویند ما که گفتیم آقای هاشمی خاطرات مخدوشی دارد و قابل استناد نیست.» بعد از انتشار این مطلب در سایت آیت‌الله مصباح‌یزدی، سید حمید روحانی در گفت‌وگویی با خبرگزاری تسنیم گفت: «اظهارات آقای هاشمی اگر درباره آیت‌الله مصباح بوده باشد، واقعیت ندارد.» او تاکید کرده «واقعا این اظهارات از آقای هاشمی درباره آقای مصباح بوده باشد، عجیب است چرا که خود ایشان هم می‌دانند که آقای مصباح از شاگردان ممتاز و مبارز حضرت امام بود که از آغاز نهضت مبارزه، امام را یاری کرد.» او همچنین توضیح داده است که «یکی از اختلافات آقای مصباح و هاشمی درباره سازمان مجاهدین یا همان سازمان منافقین بود؛ آیت‌الله مصباح بنا به بصیرتی که داشتند، حمایت از سازمان مجاهدین (منافقین) را حرام می‌دانستند اما آقای هاشمی در برهه‌ای برخلاف نظر آقای مصباح بعضا از این گروه حمایت می‌کرد. لذا آقای مصباح حمایت از این سازمان را حرام می‌دانست نه مبارزه با شاه را.» به نظر می‌رسد با اظهارات جدید آیت‌الله مصباح دور جدیدی از خاطرات مبارزین نسل اول انقلاب رونمایی شود. حالا بعید نیست به زودی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پاسخ‌های تندی به این اظهارات ارایه کند.

حاشیه سیاست

چه رمزهایی در جوابیه احمدی‌نژادی‌ها به صادق خرازی وجود دارد؟

احتمال کاندیداتوری احمدی‌نژاد در انتخابات ۹۶

□ مجتبی حسینی / سیدمحمدصادق خرازی در نخستین همایش تشکیلاتی حزب ندای ایرانیان، محمود احمدی‌نژاد را نماد تمام عیار انحراف دانست و در بخش‌هایی از حرف‌های پرکنایه و گلایه خود گفت که «حزب ندا تمام تلاش خود را می‌کند که انحراف از کشور رخت بربندد و این انحراف را در وجود احمدی‌نژادیسم به عنوان یک فرهنگ می‌بینند. ما می‌خواهیم که خط انحراف از کشور برود ولو خون بخواهد.» گفتن همین جملات کافی بود تا علی‌اکبر جوانفکر و عبدالرضا داوری در مقام مردان رسانه‌ای محمود احمدی‌نژاد برای رییس شورای مرکزی حزب تازه تاسیس ندای ایرانیان دست به قلم ببرند و جوابیه بنویسند؛ جوابیه‌هایی که شباهت‌های زیادی به ادبیات محمود احمدی‌نژاد در آن مناظره تاریخی انتخابات ۸۸ داشت و همان خط را به نام پاسخ دادن به صادق خرازی دنبال کرده است. جوانفکر و داوری جدای از آنکه صادق خرازی را نماینده اولیگارشی معرفی می‌کنند اما تلاش کرده‌اند تا بگویند که خرازی سرباز بازی‌ای شده که هاشمی رفسنجانی و برخی اصولگرایان طراحی کرده‌اند. برای اثبات این ادعا هم زمین و زمان را بهم دوخته‌اند، حرف‌هایی زده‌اند که خودشان هم می‌دانند خریداری ندارد اما به هر حال رمزهایی در میان خطوط جوابیه این دو عنصر رسانه‌ای احمدی‌نژاد وجود دارد که باید به گشایش آنها اقدام کرد. اما به واقع صادق خرازی کجا را هدف گرفت که احمدی‌نژادی‌ها تاب و توان تحمل آن را نداشتند؟ و چرا از میان صف بلندبالایی که در اعلام برائت از احمدی‌نژاد طی سه سال گذشته در جناحین سیاسی کشور تشکیل شده، احمدی‌نژادی‌ها اقدام به ارسال جوابیه برای صادق خرازی کرده‌اند؟ چه مسائلی در اظهارات صادق خرازی نهفته بود که اعوان و انصار محمود احمدی‌نژاد را نگران و آشفته کرد؟ زیر پوست دوئل کلامی صادق خرازی با این دو مرید محمود احمدی‌نژاد چیست؟ آیا جوانفکر و داوری آمده بودند تا جواب صادق خرازی را بدهند یا آنکه جوابیه‌های‌شان به نوعی اعلام خبر کاندیداتوری محمود احمدی‌نژاد برای انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۶ بود؟ برای پاسخ به این سوال‌ها باید به جملاتی که این دوچهره رسانه‌ای محمود احمدی‌نژاد انتخاب کرده‌اند، رجوع کرد و فهمید با چه خاستگاهی این کلمات انتخاب شده و چه اتفاقی در اردوگاه احمدی‌نژادی‌ها در مرحله تنظیم و تکوین است.

انتقام از هاشمی برای ساخت واژه «جریان انحرافی»

علی‌اکبر جوانفکر سعی کرده تا با تفکیک جملات و بررسی کلیدواژه‌هایی صادق خرازی در کنگره ندا، انگاره‌های ذهنی رییس شورای مرکزی حزب ندای ایرانیان را روشن سازد. بر همین اساس او از میان همه حرف‌هایی که صادق خرازی گفته، چهار کلیدواژه؛ «انحراف، احمدی‌نژادیسم، فرهنگ احمدی‌نژادیسم و خون» را بزرگنمایی کرده تا با استمساک به آنها، مخاطبان و پیگیران این جدال کلامی را متقاعد سازد که صادق خرازی تحت مدیریت هاشمی رفسنجانی برای مقابله با محمود احمدی‌نژاد قرار گرفته است. همین است که او در نخستین بندهای جوابیه خود و در توضیح اینکه جریان انحرافی چگونه وارد ادبیات سیاسی ایران شد، می‌نویسد: «انحراف»، در قالب یک مفهوم سیاسی، محصول تلاش عناصر گردآمده در اتاق فکر تحت مدیریت آقای هاشمی رفسنجانی در پنج سال پیش است که با استفاده از شبکه سیاسی، تبلیغاتی و مذهبی تحت نفوذ وی، در فضاهای سیاسی، فکری و مذهبی توزیع و منتشر گردید... حاصل این تلاش خباثت‌آمیز، خلق یک موجود غیرواقعی و به ظاهر خطرناک به نام «جریان انحرافی» بود. مترسکی که از یک سو دستگاه‌های نظارتی را به جان دولت دهم انداخت و از سوی دیگر، در انتخابات مجلس نهم، به مستمسک بلامنازع شورای نگهبان برای رد صلاحیت همه نامزدهایی تبدیل شد که به نحوی در دولت کار و تلاش دکتر احمدی‌نژاد منشأ خدمت به آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی بودند.»

اصولگرایان بازی‌خورده هاشمی

جوانفکر در ادامه اصولگرایان را فریب خورده بازی طراحی شده هاشمی رفسنجانی می‌داند و مدعی می‌شود که؛ «مدعیان اصولگرایی به ابزاری قطعی برای ایجاد خوف و هراس از این مترسک دست‌ساز هاشمی رفسنجانی تبدیل شدند، تا آنجا که امروز، پذیرفتن این خطای روشن استراتژیک را به مثابه سرکشیدن جام زهر تلقی می‌کنند و برای فرار از یک مرگ سیاسی، آشکارا ترجیح می‌دهند به مثابه طبالانی مبتلا به جهل و جنون، همچنان بر همان طبلی بکوبند که همگان می‌دانند توخالی است.» علی‌اکبر جوانفکر در ادامه با بیان اینکه، احمدی‌نژادیسم مظهر ناب تفکر انقلابی و اندیشه‌های امام خمینی است، صادق خرازی را «عنصر وادادهای» معرفی کرده که «هدفش نه ضدیت با تفکر امام و انقلاب، بلکه مقابله با تفکر یک نفر به نام احمدی‌نژاد است.» میانه‌های جوابیه جوانفکر و پس از حمله به هاشمی رفسنجانی و بازی خوردن اصولگرایان درباره پرونده احمدی‌نژاد می‌شود فهمید که علت اصلی نگرانی احمدی‌نژادی‌ها کجاست. جایی که او نوشته است: «این حقیقت، آنقدر روشن و گویاست که دستگاه‌های تبلیغاتی دشمن و عوامل داخلی او قادر به کتمان و پنهان‌سازی آن از پیش چشم مردم نیستند و با وجود تمامی تلاش‌های صورت گرفته توسط عوامل داخلی امریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی، شاهد شکل‌گیری یک مطالبه روزافزون ملی برای بازگرداندن دکتر احمدی‌نژاد به عرصه مدیریت عالی اجرایی کشور هستیم.»

پرده‌برداری از کاندیداتوری احمدی‌نژاد برای انتخابات ۹۶

«بازگرداندن احمدی‌نژاد به عرصه مدیریت عالی اجرایی کشور» نه آنکه تنها شاه‌بیت جوابیه علی‌اکبر جوانفکر باشد که نشان و نشانه‌ای از مختصات و مشخصات ذهنی و فکری جریان احمدی‌نژاد و برنامه سیاسی آنان برای آینده است. این جملات جوانفکر به قدری واضح و گویاست که می‌شود فهمید احمدی‌نژادی‌ها به دنبال زمینگیر شدن دولت حسن روحانی و تکرار ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد هستند و برای رسیدن به این هدف آمادگی هر کاری را دارند. شاید یکی از کارهایی که احمدی‌نژادی‌ها برای رسیدن به این هدف در نظر دارند مقابله با افراد شاخصی است که اقدام به افشاگری درباره مدیریت هشت ساله محمود احمدی‌نژاد کرده و می‌کنند. بی‌تردید همین نگاه است که باعث شده تا جوانفکر در ادامه با پذیرش اینکه جریان احمدی‌نژاد یک جریان انحرافی است به هاشمی، کاندیداهای معترض به انتخابات ۸۸ و رییس دولت اصلاحات بتازد و بنویسد: «خون» کلیدواژه دیگری از سخنان آقای صادق خرازی است. او گفته است که باید با گرایش روزافزون جامعه به احمدی‌نژاد مقابله کرد ولو خون بخواهد. ابراز چنین سخنانی از سوی یک مقام حزبی و سیاسی در هر کشور دمکراتیکی با تبعات سنگین سیاسی و قضایی، از جمله سلب صلاحیت سیاسی آن فرد مواجه می‌شود و در حیرتم که چگونه دستگاه‌های نظارتی ایران نسبت به این سخنان تحریک‌آمیز و خطرناک، سکوت اختیار کرده و هیچ واکنشی نشان نداده است؟» جوانفکر بازهم به بهانه پاسخگویی به صادق خرازی از پشت پرده برنامه‌های جریان احمدی‌نژاد برای سال ۹۶ و حضور محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست‌جمهوری پرده‌برداری کرده و نوشته است: «آقای صادق خرازی می‌داند که سال ۱۳۹۶ می‌تواند با درس بزرگی برای صاحبان زر و زور توام باشد؛ درسی که در نتیجه آن مردم به‌طور واقعی بر سرنوشت خویش حاکم خواهند شد و دشمنان قسم خورده این ملت نیز تودهنی سختی خواهند خورد.»

پرزنتیشن احمدی‌نژادیسم با حمله به صادق خرازی

عبدالرضا داوری، مدیر مسوول سابق روزنامه خورشید که پس از پایان دولت‌داری محمود احمدی‌نژاد اقدام به انتشار روزنامه الکترونیکی «هما» کرده بود همچون علی‌اکبر جوانفکر به بهانه جواب دادن به سید محمد صادق خرازی اقدام به معرفی احمدی‌نژادیسم در فضای سیاسی و مدیریتی کشور کرد. هر چند متن پاسخ داوری به خرازی کوتاه و پرکنایه بود اما بی‌شک تردیدی نیست که نام صادق خرازی بهانه‌ای بیش برای معرفی دوباره محمود احمدی‌نژاد جهت بازیگری در عرصه کلان سیاسی کشور نبوده است. داوری تلاش کرده تا بگوید صادق خرازی نماد اشرافیت بوروکراتیک و الیگارشی است و همین است که در ابتدای جوابیه‌اش به صادق خرازی او را «دامت اشرافیته» معرفی می‌کند. البته تشکیک وارد کردن به حزب ندای ایرانیان از دیگر اهداف پاسخنامه داوری به خرازی است اما همه اینها حرف اصلی این عنصر رسانه‌ای محمود احمدی‌نژاد نبوده است، چراکه او در بخش‌های پایانی جوابیه کوتاه خود اقدام به معرفی احمدی‌نژادیسم به عنوان یک مکتب کرده و بر همین اساس نوشته است: «احمدی‌نژادیسم کابوس اصحاب زر و زور و تزویر است. احمدی‌نژادیسم کابوس اصحاب سقیفه است، احمدی‌نژادیسم احیاگر جریان پویای توحید و عدالت در این مقطع حساس تاریخی است و سرآخر آنکه احمدی‌نژادیسم مقاوم‌ترین جریان اجتماعی در برابر انحراف و تحریف خط امام و انقلاب است و بر همین اساس توده‌های ایرانی نگرانی اعضای برجسته شبکه اشرافیت بروکراتیک از احمدی‌نژادیسم را درک می‌کند اما زینهار که احمدی‌نژادی‌ها را از خون و نبرد نترسانید، چه آنها اهالی میدان جهاد و شهادتند.» ارسال همین دو جوابیه توسط علی‌اکبر جوانفکر و عبدالرضا داوری به سید محمد صادق خرازی و پرده‌برداری از کاندیداتوری احتمالی محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۶ کافی بود تا رییس شورای مرکزی حزب ندای ایرانیان طی سخنانی در مشهد هم پاسخ این دو چهره جریان احمدی‌نژگاد را بدهد و هم آنکه هویت اعتقادی و سیاسی این جریان را افشا کند. صادق خرازی در مراسم افطاری اصلاح‌طلبان آسایشگاه معلولین در موسسه فیاض بخش مشهد گفته است: «انحراف و التقاط دو لبه یک تیغ خطرناکی است که ایمان و امان مردم را تهدید می‌کند، برخی با بیان نظریات‌شان انحراف را در رنگرزی و فرصت‌طلبی آمیخته کرده‌اند و باعث انحراف در جامعه شده‌اند آنچه طی یک دهه گذشته در ایران رخ داده است انحرافات سازمان‌یافته است. اگر به تاریخ برگردیم انحراف اخباریون منتج به پدیده باورهای شاذ شد و تاریخ نشان می‌دهد با سوءاستفاده از باورها و اعتقادات مردم و بهره‌گیری از روحیه پاک مردم نحله‌های ازلی و بهایی و بابی‌گری شکل گرفت. آن کسان که نماز شب می‌خواندند که خدمت امام عصر برسند پس از مدتی ادعای امام زمان بودن، سپس ادعای پیامبری و رسالت و پس از آن ادعای خداوندی کردند.» سیدمحمدصادق خرازی در بخش دیگری از اظهارات خود خطاب به احمدی‌نژادی‌ها گفت: «۱۰ سال تمام شما با امکانات و ابزارهای تبلیغاتی به‌دنبال فریب مردم بودید، شعار عدالت را که مهم‌ترین و ارزشمندترین شعار اصیل انقلاب و تحقق عدالت اجتماعی است به بد نامی کشاندید. سوال بزرگ این است آیا با دست ناپاک و رفتار دوگانه می‌توان منجی بشر بود و می‌توان مبشر عدالت و فریادگر ضد استثمار، استبداد و استعمار بود. آری ما برای تحقق امر به معروف آماده هستیم خون خودمان را تقدیم کنیم و چه ارزشی بالاتر از اینکه به آرزوی خود یعنی شهادت برسیم.» رییس شورای مرکزی حزب ندای ایرانیان در ادامه اظهارات خود به جوانفکر و داوری که خبر از «بازگشت احمدی‌نژاد به عرصه مدیریت عالی اجرایی کشور» داده‌اند، گفته است: «تهدید نکنید، ملت ایران بیدار است. مردم ایران به پشتوانه مجاهدت‌های طولانی و تقیدبه مبانی دینی همواره در باورهای خود دچار لغزش نخواهد شد.» خرازی با بیان این جملات از برخی دلواپس‌نمایی‌هایی که هدفش دولت‌ستیزی است رمزگشایی کرده و گفته است: «مردم نیت دلواپسان را نیک می‌دانند و مقصود آنها را خوب می‌فهمند.» خرازی افزوده است: «ما درک می‌کنیم چرا دلواپسان دولت‌ستیزی می‌کنند. آنان بسان نامحرمان می‌خواهند فرار رو به جلو بکنند و نمی‌خواهند پاسخگوی عملکرد هشت‌ساله خود باشند.» صادق خرازی افزود: «آقایان دولتمردان سابق متوجه نیستند که در خلوت چه صحبت‌هایی علیه انقلاب و محکمات آن کرده و می‌کنند. من گفتم با صدای بلند هم گفتم برای فریضه امر به معروف خون کمترین هدیه‌ای است که خواهیم داد. برای افشای انحراف و برای مقابله با التقاط بایست خون بدهیم تا پرده‌ها کنار زده شود تا مدعیان بهره‌بردار از مقدسات مردم افشا شوند.» خرازی افزود: «سیاست خارجی آنها دشمن شادکن شده بود چرا که اینان منافع ملی را قربانی امیال خودشان کرده بودند و اگر زیرکی و هوشمندی رهبری نبود معلوم نبود که این آقایان چه بر سر کشور آورده بودند. برهمین اساس ما ترجیح می‌دهیم سکوت کنیم چون مقلد رهبری هستیم، ما اهل شریعت هستیم نه مثل آنان که طریقتی می‌اندیشند و خیمه انقلاب را آلوده کرده و می‌کنند.»

خبر کوتاه

فعالیت اصلاح‌طلبان با لیست واحد انتخاباتی

دبیرکل حزب اراده ملت با بیان اینکه سیاست‌های کلان انتخاباتی در سطح ملی تدوین می‌شود، گفت: در رابطه با مصادیق هنوز کاری صورت نگرفته است. احمد حکیمی‌پور در گفت‌وگو با ایلنا، در خصوص آخرین اقدام اصلاح‌طلبان برای دستیابی به اجماع در انتخابات آتی مجلس شورای اسلامی گفت: اصلاح‌طلبان در حال دنبال کردن فرآیند وحدت هستند، تا به شکل یک‌صدا و با یک لیست واحد در انتخابات حاضر شوند. عضو شورای هماهنگی جبهه اصلاحات در پاسخ به این سوال که ارزیابی‌تان از تلاش برخی رسانه‌ها برای ایجاد اختلاف در میان اصلاح‌طلبان چیست، اظهار داشت: عده‌ای می‌خواهند میان اصلاح‌طلبان اختلاف ایجاد کنند و به تفاوت‌های سلایق میان جریان‌های درونی اصلاحات دامن بزنند، این در حالی است که هیچ اختلاف عمده‌ای میان اصلاح‌طلبان نیست. عضو شورای راهبردی اصلاح‌طلبان ادامه داد: همه حرف اصلاح‌طلبان یکی است. هدف و جهت‌گیری ما نیز نشان از این دارد که اصلاح‌طلبان به وحدت می‌اندیشند؛ چه در سطح ملی و چه در سطح استانی. حکیمی‌پور در خصوص سازوکارهای دستیابی به وحدت تعیین‌شده در شورای راهبردی تصریح کرد: سازوکارهای اجرایی در خصوص تعیین کاندیداها در این است که خود حوزه‌های انتخابیه تصمیم بگیرند و دخالتی از بالا صورت نگیرد و مجمع‌های استانی اصلاح‌طلبان این کار را انجام دهند. این فعال سیاسی اصلاح‌طلب افزود: قرار است در صورتی که اختلافی میان افراد یا گروه‌های اصلاح‌طلب ایجاد شود، شورای داوری به این موضوع رسیدگی کند. وی با بیان اینکه سیاست‌های کلان در خصوص حضور در انتخابات در سطح ملی تدوین می‌شود، خاطرنشان کرد: در رابطه با مصادیق هنوز کاری صورت نگرفته و ورود به مصادیق پس از ثبت‌نام صورت می‌گیرد، اما روی معیارها و شاخص‌های ورود و کاندیداهای اصلاح‌طلب در حال کار شدن است. دبیرکل حزب اراده ملت ایران اضافه کرد: این شاخص و معیارها پایین به بالاست؛ یعنی همه احزاب و جریان‌های اصلاح‌طلب نظرها و شاخص‌های مدنظرشان را برای جمع‌بندی به ما می‌دهند. حکیمی‌پور در رابطه با نقش رییس دولت اصلاحات ابراز داشت: رییس دولت اصلاحات با همه مجموعه‌های اصلاح‌طلب رابطه فعالانه و تنگاتنگی دارند. ایشان نقش هماهنگ‌کننده دارند و همه احزاب و جریان‌های اصلاح‌طلب محوریت ایشان را قبول دارند. عضو شورای هماهنگی جبهه اصلاحات در پایان تاکید کرد: اصلاح‌طلبان هوشیار هستند تا در دام‌ه